

# «رفنا»

سیرت زندگی بھی :-

یونس اثر

مرحوم حضرت رمہ ایۃ اللہ

حاج سید محمہ حسن

حسینی طہران

قدس للہ نفسا کیۃ

بخش اول:

:- سیر و سلوک :-

سرشناسه: حسینی طهرانی، سیدمحمد حسین، ۱۳۰۵-۱۳۷۴. Hoseini Tehrani, Mohammad Hosein.  
عنوان و نام پدیدآور: ره‌نما: سبک زندگی الهی (بر اساس آثار مرحوم حضرت علامه آیه‌الله حاج  
سیدمحمدحسین حسینی طهرانی قدس سره) / [موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام].  
مشخصات نشر: مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی،  
مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۸ شابک: ۹-۸۸۷۲۱-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱: ۶-۸۸۷۲۲-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۲:  
۳-۸۸۷۲۳-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۳:

وضعیت فهرست نویسی: فپبا. مندرجات: ۱. ج ۱. سیر و سلوک. - ج ۲. سبک زندگی فردی و خانوادگی. - ج ۳.  
سبک زندگی اجتماعی و سیاسی. - عنوان دیگر: سبک زندگی الهی (بر اساس آثار مرحوم حضرت علامه آیه‌الله  
حاج سیدمحمدحسین حسینی طهرانی قدس سره). موضوع: شیوه زندگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.  
موضوع: Islam -- Religious aspects -- \*Lifestyles. موضوع: آداب طریقت. موضوع: \*Customs of the order  
شناسه افزوده: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبایی، مرکز  
چاپ و انتشارات. شناسه افزوده: Allame Tabatabaee University. Printing & Publishing Center

زده بندی کنگره: BP۲۵۸

زده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۳۲۵۸۱

## ره‌نما: سبک زندگی الهی

بر اساس آثار مرحوم حضرت علامه  
آیه‌الله سیدمحمدحسین حسینی طهرانی (قدس سره)

### بخش اول: سیر و سلوک

ناشر: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

گرافیک و صفحه‌آرایی: حامد امامی

شابک: ۹-۸۸۷۷-۲۱-۹۷۸-۶۰۰

چاپ سوم: رمضان المبارک ۱۴۴۵ / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نشانی: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی ۱۴، جنب مسجد حمزه،

پلاک ۳۶، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

سایت: towhidshop.org و towhid.org

تلفن: ۰۹۱۵۵۶۷۲۸۴۵

-: رهنما :-  
«بخش اول: سیر و سلوک»

فهرست

- ۷..... پیشگفتار
- ۱۵..... سیر و سلوک
- ۱۷..... ۱. مقدمات
- ۱۹..... (۱) هدف از خلقت چیست - برای رسیدن به آن تلاش کنیم؟
- ۲۲..... (۲) برای رسیدن به این هدف چقدر فرصت داریم؟
- ۲۴..... (۳) راه رسیدن به این هدف چیست؟
- ۲۸..... (۴) نهایت درجه شیعیان کامل که جاست؟
- ۳۵..... ۲. آداب و شرائط سیر و سلوک
- ۳۷..... (۱) راه خروج از این عالم مادی و حرکت به سمت عالم معنا چیست؟
- ۴۰..... (۲) حقیقت دنیا چیست و چگونه باید از دنیا برای آخرت خود بهره برداشت؟
- ۵۰..... (۳) چگونه می توان در مقابل مشکلات سیر و سلوک ایستادگی کرد؟
- ۵۱..... (۴) برای ورود دروادی سیر و سلوک باید چه نیتی داشت؟
- ۵۶..... (۵) جایگاه اخلاص در سیر و سلوک چیست؟
- ۶۱..... (۶) مخلصین چه خصوصیتی دارند و چگونه می توان به اخلاص رسید؟
- ۷۰..... (۷) عمل به شریعت چه جایگاهی در سیر و سلوک دارد؟

## -: رونا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

- (۸) چگونه می توان به حقیقت و صورت ملکوتی اعمال شریعت دست یافت؟ ... ۷۵
- (۹) برای لذت از سیر و سلوک و خسته نشدن از آن، باید چگونه رفتار کرد؟ ..... ۷۸
- (۱۰) مهمترین شرط در سیر و سلوک چیست؟ ..... ۸۱
- (۱۱) محاسبه، مؤاخذه، مسارعت و ارادت در سلوک به چه معناست؟ ..... ۸۳
- (۱۲) کلید اصلی موفقیت در سیر و سلوک چیست؟ ..... ۸۶
- (۱۳) چگونه می توان دائم الذکر بود و چه ذکرهایی با چه شرایطی باید گفت؟ ... ۹۴
- (۱۴) استاد در سیر و سلوک چه نقشی دارد و چگونه می توان استاد حقیقی را شناخت؟ .. ۱۰۶
- (۱۵) برای سیر و سلوک باید گوشه نشین بود و از دیگران کناره گرفت؟ ..... ۱۱۹
- (۱۶) میزان خرد و خیر، یک سالک باید به چه میزان باشد؟ ..... ۱۲۷
- (۱۷) در طول روز چه سرگشته‌ها، زمانی سخن بگوییم و کجا سکوت کنیم؟ ..... ۱۳۰
- (۱۸) حکمت بلا و ابتلاء چیست و چگونه می توان در برابر آن صبر و استقامت نمود؟ ... ۱۳۷
- (۱۹) راه درمان ماندن از سقوط در سیر حرکت به سوی خدا، چیست؟ ..... ۱۴۵
- (۲۰) نردبان عروج به عالم توحید چیست؟ ..... ۱۴۹
- (۲۱) کشف و کرامات در سیر و سلوک چه ارزشی دارد؟ ..... ۱۵۷
- (۲۲) نقش کتمان سیر در سیر و سلوک چقدر است؟ ..... ۱۶۳
- (۲۳) آیا دستورالعمل جامعی برای کسب عبودیت و گذشتن از حس وجود دارد؟ ..... ۱۷۰
۳. آفات سیر و سلوک ..... ۱۷۷
- (۱) بی ادبی نسبت به خدا و اولیاء الهی چه تأثیری در سلوک دارد؟ ..... ۱۷۹
- (۲) آفات عدم اطاعت و تبعیت محض از استاد چیست؟ ..... ۱۸۱
- (۳) احساس استقلال و انتساب کمالات به خود چه ضرری در سلوک دارد؟ .. ۱۸۷
- (۴) آیا بر خواب و مکاشفات در سلوک می توان اعتماد کرد؟ ..... ۱۹۰

:- **روا:** :-  
«بخش اول: سیر و سلوک»

-:- **پیشگفتار** -:-

بهترین سلام خدا بر پاکیزه‌ترین درودها بر روان پاک و مطهر رسول مکرّم اسلام و خاندان گرامی او است. با نوحید و طریق ولایت را بر جویندگان سُبُل اسلام و پویندگان صراط مستقیم گذاردند، و با بذل جان و مال خود شاگردانی را پروریدند که هر یک از آنان دری، دری، دری از حقایق توحیدی و چشمه جوشانی از عرفان و یقین بودند که از صدر اسلام تا کنون تشنگان معرفت و طالبان لقاء حضرت حق را از ماء معین ولایت سیراب نموده‌اند.

همان‌هایی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در تفسیر ایه مبارکه: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ درباره صفات و علامت‌های این اولیای خدا می‌فرمایند:

«... وَ مَا بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّتْ الْأَوْثَةُ - فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْمَانَ الْقَتَرَاتِ، عِبَادًا تَأْجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلِمَتِهِمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ، فَاسْتَصَبَحُوا بِنُورِ يَقْظَةٍ فِي الْأَسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ وَ الْأَفْتِدَةِ. يَذْكُرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ، وَ يُخَوِّفُونَ مَقَامَهُ بِمَنْزِلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْفَلَوَاتِ.»

۱. النور ۲۴: ۳۷؛ مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا به خود مشغول نمی‌دارد.

## :- رُفْعًا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

مَنْ أَخَذَ الْقُضْدَ حَمْدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ وَ بَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَ مَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَ شِمَالًا  
دَمَسُوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ وَ حَذَّرُوهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ، وَ كَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ وَ  
أَوَّلُهُ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ. وَ إِنْ لِلذَّكْرِ لِأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَ  
لَا بَيْعٌ عَنْهُ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَ يَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ  
الْعَافِلِينَ. وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْتِمُرُونَ بِهِ، وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ.

فَكَانُوا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ. فَكَانُوا أَطْلَعُوا  
غُيُوبَ أَهْلِ الْبُزْرِخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ، وَ حَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا، فَكَشَفُوا  
غِطَاءَ نَجَاتِ أَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَانَتْهُمْ يَزُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ وَ يَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ.  
فَلَوْ مَثَلْتَهُمْ لَأَنْبِيَاكَ فِي مَقَامِهِمْ الْمُخْمُودَةَ وَ مَجَالِسِهِمُ الْمَشْهُودَةَ... لَرَأَيْتَ  
أَعْلَامَ هُدًى وَ مَصَابِيحَ رُجْمٍ. قَدْ حَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَ  
فُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَ أُبْدِيَتْ لَهُمْ مَقَاعِدُ الْكِرَامَاتِ فِي مَقَامِ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
فِيهِ، فَرَضِيَ سَعْيَتَهُمْ وَ حَمِدَ مَقَامَهُمْ.

... و همیشه برای خداوند عزت آلاء... در طول زمان های دراز از دهور  
و ایام یکی پس از دیگری و هم چنین در ایام آخرت می که بین قیام دو پیامبر  
بزرگ بوده است، بندگان خاص و صالح بوده اند. خداوند با الهام و القاء  
مطالب و مهمات با افکار و اندیشه های آنان به طور را... می کرده است و  
با بنیاد عقول و ریشه و اصل نفوس آنها سخن می گفته است. پس آنها با دیده  
بصیرت و نور بیداری، در گوش های خود و چشم های خود و دل های خود  
چراغ هدایت و معرفت افروختند.

به یاد می آورند روزهای خدا را برای مغتنم شمردن اعمال، و می ترسانند

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲، ص ۳۴۲.

## -: رهنما :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

از مقام حق تعالی در مواقف حساب. این بندگان به منزله راهنمایانی هستند که در وادی ظلمات مردم را به هدایت و عالم نور رهبری کنند.

کسی که طریقه اعتدال و راه راست و مستقیم را در پیش گرفت، او را در آن راه ستایش گویند و راهش را امضاء نموده و تأیید کنند و او را به نجات و رستگاری بشارت دهند، و کسی که از راه مستقیم انحراف ورزد و به راست و چپ بگردد، از او مذمت نمایند و از هلاک و نابودی بر حذر دارند و بیم دهند. این بندگان خدا به منزله چراغ‌های درخشان وادی‌های ظلمتند، و راهنمایان شبیهه و تاریک‌ها در میان مردم آری، برای ذکر خدا و یاد خدا مردمی هستند که به عوض اشغال به دنیا و زینت‌های دنیا به ذکر خدا اشتغال ورزیده و آن را بدل از تعیین دنیوی گرفته‌اند، و هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از خدا و ذکر او به خود مشغول نگردد. با یاد خدا ایام زندگانی خود را می‌گذرانند، و با صدای بلند مردم را از ماصی و گناهان منع نموده و آواز می‌دهند و در گوش‌های مردم غافل‌طنین می‌انگیزند. مردم را به عدالت امر می‌کنند و خود نیز به عدالت رفتار می‌نمایند، و از کار زشت باز می‌دارند و خود نیز به کار زشت دست نمی‌آیند.

چنان با اراده‌ای متین در راه وصول به مقام قرب قدم گذارده‌اند که گویی تمام عالم زندگی و دنیا را در هم پیچیده و در دل آخرت قرار گرفته‌اند، و آنچه در پس پرده دنیا است از امور عقبی و بهشت و جهنم همه را در مقابل دیدگان خود می‌بینند. و مثل آنکه آنان بر پنهانی‌ها و خفایای اهل برزخ در دوران مکث در آن عالم اطلاع دارند، و قیامت با تمام خصوصیات و وعده‌ها و وعیدها بر آنها متجلی شده و به تحقق رسیده است، و در آن هنگام آنان پرده غیب را برای مردم دنیا پس زده و آنها را بر امور واقعه اطلاع می‌دهند. مثل

## :- رونا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

آنکه آنها می بینند چیزهائی را که مردم دنیا نمی بینند، و می شنوند چیزهائی را که مردم دنیا نمی شنوند.

اگر تو آنها را در عقل خود تمثیل کنی و در فکر خود تصویر نمائی در مقام ها و موقف های پسندیده آنها و در مجلس های شایسته و عبادت آنها...، در آن تمثیل عقلی و تصویر فکری ایشان را خواهی دید که حقا آنها علم ها و نشانه های هدایتند، و چراغ های درخشنده در تاریکی های جهالتند که فرشتگان رحمت الهی گرداگرد آنها را فرا گرفته و مقام سکینه و آرامش و امن و امن بر آنها فرود آمده است، و درهای آسمان به روی آنان گشوده شده، و مراتب و درجتهای به درجات عالیه و منازل فوز و کرامت در مقام منیعی که خداوند در آن مظاهر بر آن مطلع است برایشان مهیا گردیده است. پس، از سعی و کوششی که آنها در دنیا نموده اند خدا راضی شده است و آنرا پسندیده و امضا کرده، و مقام محمود آنرا ستوده و ستایش کرده است.<sup>۱</sup>

و هم چنین می فرمایند:

«هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيْرَةِ، بِاسْتِرْوَاحِ الْيَقِيْنِ، وَاسْتَلْثَمُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُّونَ، وَانْسَبُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْخَائِفُونَ، وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى، أَوْلَايِكَ خُلُقَاءُ اللَّهِ فِي الرِّضَى وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ، إِذْ إِهَادَهُ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ»<sup>۲</sup>

امواج علم بر اساس حقیقت ادراک و بصیرت بر آنها هجوم برده و به یکباره وجودشان را احاطه نمود، و جوهره ایمان و یقین را به جان و دل خود مس کردند، و آنچه را خوشگذران ها سخت و ناهموار داشتند نرم و ملایم

۱. معادشناسی، ج ۲، ص ۷۹ از نهج البلاغه.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۹۷.



## :- رهنما :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

انگاشتند و به آنچه جاهلان از آن در وحشت و ترس بودند انس گرفتند. فقط با بدن خاکی خود همنشین دنیا شدند و ارواحشان به بلندترین قلّه از ذروه قدس عالم ملکوت آویخته بود، ایشانند در روی زمین جانشینان خدا و داعیان بشر به سوی دین خدا، آه آه، چقدر اشتیاق زیارت و دیدنشان را دارم. بدون شک یکی از برجسته‌ترین شاگردان مکتب نورانی اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین در عصر حاضر مرحوم سید العرفاء الکاملین و عماد العلماء العامین آیه الحقّ و العرفان و سند الإیمان و الإیقان فرید العصر و حسنة الدهر السابیح فی بحر احدثه و المتحقق لعظمته و هیئته انسان العین و عین الانسان الذی لم یأت بمثلاً لزمان آیت عظمای الهی حضرت علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی افاض الله علینا من برکات تربته بودند که عمری را در اعتلای کلمه توحید و تبیین و تثبیت ولایت کلیّه الهیه صرف نموده و با تألیفات قیمه دوره علوم و معارف اسلام و نیز تربیت سالکان و شوریدگان راه خدا سهمی بسزادر تدوین و نشر منارف حقّه الهیه و دستگیری از نفوس مستعدّه ایفا فرمود.<sup>۱</sup>

حضرت علامه آیه الله حسینی طهرانی اعلی الله مقامه الشریف در معدود اعظامی بودند که توانستند در عصر غیبت به لطف الهی و عنایت ولیّ الله الاعظم ارواحنا له الفداء و به برکت تتلمذ نزد نوادر علماء و فقهاء و اولیاء کامل پروردگار چنان بسر قلّه فقه الله الاکبر ظفر یافته و در آن مقام منبع متمکن گردند که حتی تصوّر آن برای اهل الله میسور نخواهد بود. بزرگ مردی که حقاً هیچ امری او را از یاد خدا و إقامة صلوة مشغول

۱. آیت نور، ص ۳۵.

## :- رهنما :-

« بخش اول: سیر و سلوک »

نموده و تمام محبت خود را در خداوند علیّ اعلیٰ منحصر نموده تا جانی که خداوند نیز پرده از قلب وی برگرفت و چشمان قلب او را به جلال و عظمت خود گشوده و از اسرار مکتومه و ملکوت آسمان و زمین او را مطلع فرموده و آنچنان وی را به خود مشغول نمود که از ماسوی الله عزلت گزید.

« قَدْ غَنَىٰ عَنِ الْخَلْقِ وَالْمُرَادِ وَالْدُنْيَا فَلَا مُونِسَ لَهُ سِوَى اللَّهِ وَلَا نَطْقَ وَلَا إِشَارَةَ وَلَا نَفْسَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلِلَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَعَ اللَّهِ »<sup>۱</sup>

حقاً کس از همه مخلوقات و هر خواسته و طلبی و از تمام دنیا بی نیاز شده، بناد این هیچ مونسى جز خدا نداشته، و هیچ سخنى و اشاره و نفسى جز به واسطه خدا برای او و از او و با او ندارد.

مطالبی که از تلمیذان در تبیین معارف توحیدیّه الهیه تراوش نموده، آنقدر صریح و شیوا نقاب از رخسار حقیقت برگرفته است که به یقین می توان گفت جز قلم إعجاز بر آن نرسیده است.<sup>۲</sup>

آنچه در مدّت حیات نورانی حضرت امان بالعیان از ایشان و از سیره مرضیه آن بزرگوار مشاهده شده، به نحو اجمال دوری از هوا، و توجه تامّ به حقیقت توحید، و عدم تنازل از مقام وحدت، و إحياء سنت سنّیه رسول خدا، و بذل وجود و همه شؤون و جودى برای إحياء حق و تبیین شریعت حضرت سید المرسلین و اثبات و تثبیت خلافت بلافضل مولانا امیر المؤمنین، و ارشاد و دستگیری از نفوس مستعدّه و دلسوزی خالصانه جهت آحاد از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام، مشهود سیره و روش آن بزرگ مرد الهی بود. فَلِلَّهِ دَرَّةٌ وَ عَلَيْهِ أَجْرُهُ، وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ مَاتَ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا.

۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۴.

۲. نور مجرد، ج ۱، ص ۴۳.

## -: رهنما :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

بحمد الله و المنة اینک که با لطف بی نهایت و عنایت خاص حضرت حق مهمان سفره کریمانه حضرتشان هستیم، تصمیم گرفتیم قدمی ناچیز در جهت بیان و گسترش معارف عمیق به یادگار مانده از آن فقید سعید برداشته و کتابی با هدف «ارائه سبک زندگی اسلامی بر اساس مبانی توحیدی» تدوین نماییم. بر این اساس تلاش شده مطالب از کتب «دوره علوم و معارف اسلام» و سایر مکاتبات حضرت، آلامه آیه الله حسینی طهرانی اعلی الله مقامه الشریف و دوره سه جلدی کتب شریف «نور مجرد» استخراج شود.

تمام مطالب این اثر در کتب شریف مذکور نقل گردیده و تنها در برخی موارد، کلمات یا جمله نوتاً ربط بین مطالب به آن در نورانی اضافه شده است. لذا هر نظر و دیدگاهی که در این کتاب بیان شده، برگرفته از این آثار بوده و نشان دهنده دیدگاه ایشان می باشد.

امیدواریم به عنایت حضرت حق و ایادت مقام ولایت کلیه الهیه حضرت حجة بن الحسن ارواحنا لیراب مقدمات الفداء و مدد باطنی آن رادمرد الهی این مطالب نورانی به طالبان علم و معرفت عرضه گردد تا همگان بتوانند از این معارف توحیدی در مسیر قرب الهی بهره مند شوند،  
إن شاء الله.

مسلماً یاد و نام و سیره ایشان و مطالعه انوار علوم و معارفشان که سراسر رنگ و بوی توحید دارد، در حرکت دادن تشنگان معرفت و مشتاقان و دلباختگان حضرت حق به سوی عالم وحدت بسیار مفید بوده و به مقتضای «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ يُنْزَلُ الرَّحْمَةُ»<sup>۱</sup> موجب تنور و روشنی دل و جان خواهد بود.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۴۹.

## :- رهنما :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

أعلى الله درجته و حشره مع أجداده الطاهرين المعصومين في بوجوه جنات التعميم.

امید آنکه در سایه عنایات حضرت حجة ابن الحسن ارواحنا التراب مقدّمه الفداء، حضرت حق وجود ما را نیز به آتش عشق و محبت خود شعله ور نموده و در همین نشأه ما را نیز به لقاء خود مشرف گرداند.

بهم جعلنا من الذين ترسخت أشجار الشوق إليك في حدائق صدورهم و أخذت به عة محبتك بجماع قلوبهم، فهم إلى أوكار الأفكار يؤولون و في رياض القرب و المفاضة يتعاونون و من حياض المحبة بكأس الملاطفة يكرعون و سرائع المصافاة يردون، و شيف إعطاء عن أبصارهم و أنجلت ظلمة الريب عن عقائدهم و صائرهم و انتفت مخالفة الكسب عن قلوبهم و سرائرهم و انشروحت بتحقيق المعرفة صدورهم و علت ليسر السعادة في الزهادة هممهم و عذب في معين المعاملة شربهم و طاب في مجلس أنس بهم و آمن في موطن المخافة سربهم و اطمأنت بالرجوع إلى رب الأرباب أنفسهم و تيمنت بالفوز و الفلاح أرواحهم و قرّت بالنظر إلى محبوبهم أعينهم و استقرت يادربهم و نيل المأمول قرازمهم و ربحت في بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم»<sup>۱</sup>

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين. اللهم أعل درجته و احشره مع أجداده الطاهرين و آباءه المعصومين، و اجعلنا في الدنيا من المتمسكين بهم و في الآخرة من الواردين عليهم، و عجل لوليک الفرج و اجعلنا من أخص أعوانه و أنصاره، بجاه محمد و آله الطاهرين آمين يا رب العالمين.<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، و مفاتيح الجنان، مناجات العارفين، ص ۱۲۷.

۲. نور مجرد، ج ۱، ص ۴۵.

## -: رونا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

### سیر و سلوک

بشر مادی در بیهوشی و غفلت مادیّت زندگی می‌کند، و در دریای بیکران شهوات و کثرات غوطه می‌زند. سیر آن، موجی از علائق و وابستگی‌های مادی او را به طرفی پرتاب می‌کند که از لذت‌ها و لطامات و صدمات آن موج به حال نیامده موجی سهمگین‌تر و دهشت‌انگیزتر که از علاقه به مال و ثروت و زن و فرزند سرچشمه می‌گیرد سیلی‌های مرگبار را به صورت او نواخته و او را در قعر امواج خروشان این بحر ژرف و دریای هائناک فرو می‌برد، به طوری که ناله و فریادش در میان نهیب امواج ناپدید می‌گردد. به هر جانب که می‌نگرد می‌بیند که حرمان و حسرت که از آثار و لوازم آسایشگاه مادی فسادپذیر است، او را تهدید و ترعیب می‌نماید. در این میان فقط گاهگاهی یک نسیم جانبخش و روح‌افزایی به نام جذب او را نوازش می‌دهد و چنین می‌یابد که این نسیم مهرانگیز او را به جانبی می‌کشد، و به مقصدی سوق می‌دهد، این نسیم متمادی نبوده گاه‌وبی‌گاه می‌وزد.

«وَإِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفْحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا وَلَا تُعْرِضُوا عَنْهَا»

## :- رهنما :- «بخش اول: سیر و سلوک»

بدانید و آگاه باشید که پروردگارتان را در ایام روزگار شما نسیم هائی است،  
هان بکوشید که خود را در معرض آنها قرار دهید و از آنها روی نگردانید.  
در این موقع سالک به سوی خدا، جانی گرفته و از تأثیر همان جذبۀ الهیّه  
تصمیم می‌گیرد که از عالم کثرت عبور کند و به هر ترتیب که میسر است  
بار سفر بر بندد و از این غوغای پردغدغه و مولم خود را خلاص کند. این سفر  
را در عرف و اصطلاح عرفاء سیر و سلوک نامند. سلوک، یعنی پیمودن راه، و  
سیر یعنی پیمایش آثار و خصوصیات منازل و مراحل در بین راه. زاد و توشه  
این سفر، وحان، مباحده و ریاضت نفسانی است.<sup>۱</sup>

۱. رسالۀ لب اللباب در سیر و سلوک اولی الألیاب، ص ۲۴.

## :- رفنا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

(۱)

هدف از خلقت چیست تا برای رسیدن به آن تلاش کنیم؟

انسان بیهوده خلق نشده و خداوند سبحان از آفرینش او هدف داشته است. چنانچه در کلام الهی مجید می فرماید:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»<sup>۱</sup> انسان گمان نکند که بیهوده آفریده شده است! آیا خیال می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم که زنده شوید و بمیرید و بس، نه هدفی از خلقت شما داشته ایم و نه اثری از شما باقی می ماند و دیگر شما به سوی ما بر نمی گردید؟

در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را بسیار تلاوت می کرده اند که خداوند متعال در آن می فرماید: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُشْرِكُونَ؟» آیا انسان چنین می پندارد که مهمل و بیهوده آفریده شده به خود واگذار شده و در برابر عالم آفرینش مسئولیتی ندارد؟! و اشک از چشمانشان جاری می شد. و هر وقت این آیات را تلاوت می کردند، مکرراً می خواندند.<sup>۲</sup> هدف خداوند تعالی از آفرینش انسان رسیدن به مقام فناء و عبودیت مطلقه است هم چنانکه فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

۱. المؤمنون ۲۳: ۱۱۵.

۲. القیامه ۷۵: ۳۶.

۳. معادشناسی، ج ۱، ص ۱۵۰.

## -: رونا :-

«بخش اول: سیر و سلوک»

لِيُعْبُدُونَ<sup>۱</sup> لذا اگر انسان در هر راهی غیر از سبیل فنا و اندکاک و عبودیت مطلقه حضرت حق تبارک و تعالی قدم بگذارد، سرمایه وجودی خود را تباه ساخته و خسران زده و تهی دست و با کوهی از حسرت از دنیا خواهد رفت.

مگر نه اینست که خداوند علیّی اعلیّی در مصحف کریم می فرماید:  
﴿قُلِ اللَّهُ أَغْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ<sup>۲</sup>. و خسران نفس را مترتب بر عبادت ماسوی الله نموده است. و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرُ اللَّهِ» هر کس هدف و مقصدی غیر از خود خداوند داشته باشد راه را گم نموده و نابود شده است.

به همین جهت<sup>۱</sup> تنها دین به ماسوی الله هر چند امری نورانی باشد، زیان سنگین و غیر قابل جبران<sup>۲</sup> باشد و همگان باید به ذات خداوند تبارک و تعالی سوق یافته و آن را از همه چیز بهتر و برتر بدانند.

در مقامی که به یاد لب او می گوش کنید:

سفلان مست، که باشد خبر از خویشش<sup>۳</sup>

پس باید با تمام توان کمر همت بست و با رخصت از زخارف دنیوی به

سوی حضرت حق حرکت نمود و همه چیز را در مسیر او قرار داد.

و چون این معنی در دل و جان مؤمن متمکن شود همه مشکلات

۱. الذاریات ۵۱: ۵۶. «و من جنّ و انس را نیافریدم مگر به سبب آنکه مرا عبادت کنند.»

۲. آیه ۱۴ و ۱۵، از سوره ۳۹: الزمر: «ای پیامبر! بگو: من فقط خدا را می پرستم، پس شما هر کس را که خواستید پرستش کنید! بگو: همانا زیانکاران واقعی کسانی هستند که خودشان و اهلسان را روز قیامت خسران زده نمایند. آگاه باش این است همان خسران و زیان آشکار و مبین.»

۳. غررالحکم، ص ۹۵، ح ۱۶۸۱.

۴. دیوان حافظ، ص ۱۳۲، غزل ۲۹۷.



:- رونا :-  
«بخش اول: سیر و سلوک»

زندگی آسان شده و اعتنایی به کم و زیاد آن نمی‌کند و می‌تواند در عمل با آن مشکلات همراهی نماید و خصوصیات اخلاقی و صفات روحی نیز به تدریج درمان گردد، چراکه توحید و محبت خداوند کلید حل هر مشکل و درمان هر دردی است و به فرمایش مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«التَّوْحِيدُ حَيَوَةُ النَّفْسِ»<sup>۱</sup> و «حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا تَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا اخْتَرَقَتْ»<sup>۲</sup>

محبت خداوند آتشی است که بر چیزی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را می‌سوزاند.<sup>۳</sup>

www.ketab.ir

۱. غررالحکم، ص ۳۷، ح ۵۹۳.

۲. مصباح الشریعة، باب ۹۲، ص ۱۹۳.

۳. نور مجرد، ج ۲، ص ۵۸۸.